هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله
عدم رسیدگی به حادثهٔ خونین بغلان نمایانگر ضعف دولت است
ص۲

دعا در کلام شاعران جهاد و مقاومت
راه نجات ماست کنون در پناه تو
ص۴

جنگ ما و جنگ شما
ص۲

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ بیست و سوم شنبه ۱۸ عقرب ۱۳۸۷- ۹ ذوالقعده ۱۴۲۹ - 8 November 2008





مراسم یاد بود شهدای پانزدهم حادثهٔ خونین بغلان بر گزار شد

استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت:

ملت افغانستان باید بدانند که تصمیم شان بالاتر از تصمیم دیگران است

محمد یونس قانونی رئیس ولسی جرگه:

افکار نواندیشانهٔ آقای کاظمی مشعلی است برای آنانی که در فکر ترقی و توسعهٔ کشور می باشند

به مناسبت نخستین سالگرد حادثهٔ خونین بغلان، همایشی بزرگ درکابل برگزار شد. در این همایش رهبران جهادی، نمایندگان مردم در شورای ملی، اعضای بلند رتبهٔ دولتی وصدها انسان سوگوار از سراسرکشوراشتراک ورزیده بودند.

در حادثهٔ بغلان سید مصطفی کاظمی رئیس کمسیون اقتصادی شوری ملی و سخنگوی جبههٔ ملی، پنج تن از وکلای مردم و ده ها کودک دانش آموز، جام شهادت نوشیدند.

همایش باتلاوت آیاتی ملکوتی قرآنکریم آغازیافت. سپس استاد برهان الدین ربانی رهبر جبههٔ ملی به عنوان اولین سخنران این محفل ازکاظمی شهید، به عنوان یک چهرهٔ تابناک دورهٔ جهاد و مقاومت، سیاستمدار آگاه یاد کرد و مرگ او را ضایعهٔ جبران ناپذیر دانست.

استاد ربانی نیز حکومت را متهم به بی توجهی درمورد قضیه بغلان نمود و تأکید کرد که عملکرد دولت،

ادامه درص۳

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاومقاومت در هشتمین همایش جهانی دعوت اسلامی شرکت نمود

هشتمین همایش جهان دعوت اسلامی تحت عنوان "إن الدین عندالله الإسلام" در ترابلس پایتخت جمهور عربی لیبیا برگزار گردید. استاد ربانی که در این همایش به عنوان میهمان ویژه دعوت شده بود، شرکت نمود.

در این همایش چهار روزه که از ۲۷ تا ۳۰ اکتوبر ادامه یافت، ۴۶۰ تن از رهبران و علمای برجسته دینی، دانشمندان و مسؤولان نهادهای اسلامی وفرهنگی از کشورهای اسلامی و از اروپا و امریکا اشتراک داشتند.

در هشتمین همایش جهانی دعوت اسلامی علاوه بر استاد برهان الدین ربانی، احمد بن بلا نخستین رئیس جمهور [illegible] پس از استقلال، شیخ علی جمعه مفتی مصر، [illegible] کنفرانس کشورهای اسلامی، شیخ منتقی تال رئیس رابطهٔ علمای سنگال، دکتور فوزیه عشماوی عضو کنگره مسلمانان در اروپا و شماری از نمایندگان مؤسسات مسیحی شرکت نموده بودند.

سخنرانان این همایش به گفتگوی ادیان و فرهنگ ها جهت بر قراری صلح و امنیت جهان تاکید نمودند. اهمیت خدمات اجتماعی در ترویج ارزش های دینی، استفاده از امکانات و ابزارهای

سیاهی در قصر سفید

ص۵



سیاهان در امریکا

از تبعیض نژادی تا قدرت سیاسی

➤ واقف حکیمی

باراک اوباما با پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری به کاخ سفید راه یافت. او نخستین سیاه پوستی است که در تاریخ ایالات متحدهٔ امریکا به این مقام دست می یابد.

امریکا پس از کشف آن در قرن ۱۵ میلادی توسط کریستف کلمب به عنوان سرزمینی بکر توجه مردمان اروپا را به خود جلب کرد، دیری نگذشته بود که سرزمین پهناور امریکا در پهلوی ساکنان بومی سرخ پوست، آن مجتمع هایی بزرگ از ملت های اروپایی را در خود جای داد. انگلیسیان و هلندیان و فرانسویان و... هر کدام بخشی از این سرزمین را به خود اختصاص دادند.

سیاهان از افریقا در کنار مهاجران اروپایی نیز به امریکا راه باز کردند. آفریقاییان به عنوان بردگان از مستعمرات کشورهای اروپایی برای تأمین نیروی کار به این سرزمین برده می شدند. روند آمدن سیاهان آفریقایی به آمریکا پس از پایان جنگ های داخلی و اعلام استقلال آمریکا در سال ۱۷۷۶ میلادی هم به هیأت بردگان و هم به عنوان مهاجران اقتصادی ادامه یافت.

افکار و ایدئولوژی های ملی گرایانه در قرن ۱۸ و ۱۹ در اروپا و امریکا موجب به وجود آمدن موج هایی شدید از نژاد پرستی شد و سیاهان قربانی این تبعیض نژادی بودند. ناگزیر آنان برای رسیدن به حقوق انسانی شان دست به مبارزه زدند و در این راه دشواری ها و قربانی هایی بزرگ را متحمل گردیدند. سیاهان در جامعهٔ امریکایی از کمترین جایگاه انسانی بهره مند نبودند،

ادامه درص۶

د حج د فریضې فلسفه او پیژندنه

شفیق

حج چې د اسلام پنځم بنیادي رکن دی، په لغت کې قصد او ارادې ته وایې او په اصطلاح کې د ځانګړې ارادې سره، په ځانګړي موسم کې په ځانګړو مقدسو ځایونو کې د ځانګړو اعمالو او مناسکو اداء کولوته حج وایي.

حج په هر هغه مسلمان، عاقل، بالغ او آزاد انسان باندی فرض دی چې د حج د مناسکو د اداء کولو لپاره مکې معظمې ته دتګ او راتګ لګښت او هم هلته د اقامت تروخته د ځان او په خپل تاتویي کې د خپل اولاد نفقه او دتګ او راتګ بدني توانمندي ولري.

نو پدې بنیاد د حج دوجوب شرطونه له اسلام، بلوغ، عقل،

پاتې پر۷ مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

عدم رسیدگی به حادثهٔ خونین بغلان نمایانگر ضعف دولت است

از حادثهٔ خونین بغلان که در آن مصطفی کاظمی رئیس کمیسیون اقتصادی ولسی جرگه با پنج تن دیگر از نمایندگان مردم همراه با ده ها شاگرد مکتب در اثر یک حملهٔ انتحاری، به شهادت رسید یک سال می گذرد.

این حادثه یکی از خونین ترین حوادث تروریستی در کشور بود که صدها خانواده را در سوگ نشاند و ضایعهٔ بزرگ ملی را به میان آورد.

خانواده های شهدا، شورای ملی، جبههٔ ملی و سایر نهادهای سیاسی کشور، وقوع این حادثهٔ المناک را ناشی از سهل انگاری و کوتاهی مسؤولان دولتی در ولایت بغلان دانسته خواهان پیگیری جدی موضوع و مجازات عاملین آن گردیدند.

با توجه به این که هیچ گروهی مخالف دولت، مانند طالبان و حزب اسلامی مسؤولیت این حادثه را به عهده نگرفته اند و از سوی دیگر به علت آن که غفلت مسؤولین دولت در این حادثه نمایان می باشد، نوعی ابهام در این حادثهٔ تروریستی مشاهده می شود، دولت تا هنوز در جهت رفع این ابهام و روشن شدن موضوع اطلاعاتی را در اختیار ملت نگذاشته است.

و از جانب دیگر مسؤولان بلند پایهٔ دولتی در ولایت بغلان تا هنوز مورد محاسبه قرار نگرفته مظنونانی که در ارتباط با این حملهٔ تروریستی دستگیر گردیده اند محاکمه و مجازات نشده اند.

ناکامی دولت در باز خواست از مسؤولان بلند پایهٔ دلتی در ولایت بغلان و محاکمه و مجازات عاملین آن حادثهٔ تروریستی را می توان یکی از عواملی دانست که باعث غفلت بیشتر مسؤولان بلند پایهٔ دولتی در اجرای وظایف و مسؤولیت ها و جرأت گیری مجرمین و تروریستان شده است، این روند به یکی از عوامل عمدهٔ ضعف و ناکارآمدی بیشتر دولت تبدیل شده است.

پس از گذشت یک سال، دولت گام مهمی در جهت فراهم آوری قناعت و اعتماد خانواده های شهداء شورای ملی و جریان های سیاسی برنداشته است، آنچه که در همایش روز جمعه ۱۷ عقرب که در کابل به این مناسبت برگزار گردید ابراز شد، استاد برهان الدین ربانی رهبر جبههٔ ملی اقدامات دولت در رابطه با رسیدگی به این حادثه را ناکافی خواند و محمد یونس قانونی رئیس ولسی جرگه نیز خواهان مجازات مسببین آن حادثه گردید.



جنگ ما جنگ شما!

ابوبکر سبزوار

رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا اخیراً سخنانی در رابطه به جنگ در افغانستان بر زبان آورده که سؤال برانگیز است. از قول وی نقل شده که گفته است که جنگ افغانستان جنگ مردم افغانستان است و ما دراین جنگ فقط به منظور کمک به آنها آمده ایم!

ما مردم افغانستان با این طرز دید امریکایی ها ناآشنا نیستیم. وقتی روس ها در سال ۱۹۷۹ به افغانستان تجاوز کردند، امریکایی ها از این که رقیب سرسخت شان شوروی در دام خطرناکی گیر افتاده است شادمان شدند برای شکست شوروی، کمک از کفش کوه نوردی گرفته تا موشک های ضد هوایی استینگر به سوی مجاهدین سرازیر شد.

آیا این جنگ جنگ مردم افغانستان بود؟ مردم افغانستان برای نجات کشور شان قیام کردند اما امریکایی ها هدف های خاص خود را داشتند. آنها می خواستند تا پس از فروپاشی اتحاد شوروی بازارهای جدیدی را بر روی کالاهای خود باز ببینند و مواد خام و به خصوص نفت را به قیمت ارزان تر به دست آورند. خون یک و نیم ملیون نفر در افغانستان ریخته شد تا اروپای شرقی به استقلال برسد، ناتو به سوی شرق گسترش یابد، سپر موشکی امریکا در پولیند مستقر گردد، معاملات در وال استریت رونق بیشتر یابد و شاخص داوجونز از ثبات نیافتد!

اگر آن جنگ جنگ ما مردم افغانستان می بود ما باید از آن بهره می بردیم اما چنین نبود. امریکا جنگی را که ناشی از مجبوریت ما بود به جنگی برای رسیدن به منافع خود مبدل کرد و خود به برکت این جنگ به تنها ابرقدرت جهان مبدل شد. در حالی که فرزندان یک میلیون و پنجصدهزار کشتهٔ آن جنگ اکنون در پایین خط فقر زندگی می کنند. به جای نان، علف می خورند و از بیماری کولرا که ناشی از نبود آب آشامیدنی صحی است جان می سپارند.

امریکا پس از فروپاشی اتحاد شوروی افغانستان را به فراموشی سپرد و در مورد جنگ های بعد از سقوط رژیم نجیب فقط گفت که این جنگ جنگ خود مردم افغانستان است. چرا باید پس از پایان جنگ سرد جنگ در افغانستان ادامه می یافت؟ امریکا نمی خواست تجربهٔ جهاد افغانستان به کشور های دیگر سرایت کند و منافع امریکا واسراییل به خطر مواجه شود. پس باید مردم افغانستان درگیر جنگ های (خودشان) می بودند.

جنگی که امریکا امروز آن را جنگ مردم افغانستان می خواند پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ جنگ مردم افغانستان خوانده نشد. قبل از یازدهم سپتامبر هم در افغانستان جنگ بود اما بین آن جنگ و جنگ پس از یازدهم سپتامبر چه فرق وجود داشت که امریکا نه تنها خود به افغانستان حمله کرد بلکه چهل کشور دیگر را نیز به دنبال خود به افغانستان آورد؟ مگر امریکایی ها در همان موقع نگفتند که این نبرد، جنگ دنیای آزاد با تروریسم است؟ مگر بوش در همان زمان جهان را به دو قطب ضد تروریسم و همراه با تروریسم تقسیم نکرد و نگفت که هرکه با ما نیست با تروریست هاست؟ مگر همین بوش نبود که این جنگ را جنگ صلیبی خواند و به این ترتیب به آن وجههٔ مذهبی داد و با این کار، انگیزهٔ قوی برای حملات انتحاری فراهم کرد؟

سخن رابرت گیتس در مورد این که این جنگ جنگ مردم افغانستان است و تکرار سخنانی از قبیل افغانیزه کردن جنگ افغانستان ما را به یاد سال های آخر جنگ ویتنام می اندازد. وقتی امریکایی ها از پیروزی در جنگ ویتنام

> **اگر جنگی که امروز در افغانستان در جریان است جنگ مردم افغانستان است پس مداخلات کشورهای همسایهٔ ما به کدام دلیل صورت می گیرد؟**

> **امریکایی ها خود به این نتیجه رسیده اند که یکی از عوامل ناامنی ها در افغانستان مداخلات کشور های همسایه است. اگر چنین نیست پس روی کدام دلیل، امریکا مناطق قبایلی در آن سوی مرز را به وسیلهٔ طیارات بی سرنشین هدف قرار می دهد؟**

مأیوس شدند، برنامهٔ ویتنامی ساختن جنگ را در پیش گرفتند. آنها تلاش کردند تا نیروهای ویتنام جنوبی را تقویت نمایند تا بعد از خروج آنان مسؤولیت جنگ در ویتنام را به دوش گرفته و مانع سقوط ویتنام جنوبی به دست کمونیست ها شود.

یک نکته که به خوبی مشخص بود ولی امریکایی ها آن را نادیده گرفتند این بود که در شرایط حضور نیروهای خارجی در یک کشور، نیروهای نظامی داخلی روحیهٔ جنگی خود را از دست می دهند. این حقیقت با خروج نیروهای امریکایی از ویتنام ثابت شد. نیروهای ویتنام جنوبی از تجهیزات مدرن و امکانات بسیار بهتری در مقایسه با ویت کنگ ها برخوردار بودند، اما کمی بعد از خروج امریکایی ها از ویتنام، پنوم پن پایتخت ویتنام جنوبی سقوط کرد.

در کشور ما هم این تجربه تکرار شد. زمانی که پس از سال ها جنگ بی حاصل، روس ها متوجه شدند که دیگر در افغانستان شانسی برای پیروزی ندارند، سخن از افغانیزه شدن جنگ به میان آمد. روند ملیشه سازی سرعت بیشتر گرفت و نجیب از دفاع مستقلانه سخن به میان آورد. روس ها گفتند که این جنگ جنگ مردم افغانستان بود و ما برای کمک به دولت افغانستان و به خواست دولت به افغانستان قطعات محدودی را به این کشور فرستادیم. یکصد هزار نیروی نظامی رژیم و ده ها هزار ملیشه دفاع خودی، نتوانست از این نظام دفاع نماید و در یک جنگ فرسایشی سرانجام آن نظام از هم پاشید.

اگر جنگی که امروز در افغانستان در جریان است جنگ مردم افغانستان است پس مداخلات کشورهای همسایهٔ ما به کدام دلیل صورت می گیرد؟ امریکایی ها خود به این نتیجه رسیده اند که یکی از عوامل ناامنی ها در افغانستان مداخلات کشور های همسایه است. اگر چنین نیست پس روی کدام دلیل، امریکا مناطق قبایلی در آن سوی مرز را به وسیلهٔ طیارات بی سرنشین هدف قرار می دهد؟

جنرال پتریوس فرمانده نیروهای امریکا در شرق میانه در سفری به پاکستان این مسأله را با مقامات پاکستانی در میان نهاد. پاکستانی ها به پتریوس به صراحت گفتند که دیگر این گونه حملات تحمل نخواهد شد. ناگفته پیداست که پاکستان از همکاری با امریکا در سقوط طالبان بهرهٔ بسیار برد ولی همهٔ آن پول ها که باد آورده بود باد برد. پاکستان که عادت کرده بود تا از بحران در افغانستان سود ببرد اکنون خود درگیر بحران است. امروز پاکستان با چنان مشکلات اقتصادی دست به گریبان است که گفته می شود اقتصاد این کشور در آستانهٔ ورشکستگی قرار گرفته است. این ها همه محصول جنگی است که نخستین جنگ قرن بیست و یکم بود و با حملهٔ امریکا به افغانستان به نام جنگ علیه تروریسم آغاز گردید و با جنگ در عراق به بهانهٔ وجود سلاح های کشتار جمعی پی گرفته شد. این جنگ ها جنگ امریکاست و امریکا مسؤولیت کشتار هایی را که در این دو کشور انجام داد و هنوز هم انجام می دهد به دوش دارد.

اگر یک کشور قدرتمند در کشور ضعیفی رژیم دست نشانده یی را روی کار آورد و بعد به دفاع از آن رژیم به کشتار مردم آن کشور بپردازد و استدلال نماید که این جنگ جنگ خود شماست و ما فقط به دفاع از دولت شما آمده ایم، در آن صورت همهٔ استعمار گران و تجاوزگران تاریخ برائت خواهند گرفت!

متن سخنرانی استاد برهان الدین ربانی در مراسم سالگرد شهدای پانزدهم عقرب در ولایت بغلان:

ملت افغانستان باید بدانند که تصمیم شان بالاتر از تصمیم دیگران است

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی

حضار گرامی!

السلام علیکم و رحمة الله وبرکاته

در سالگرد حادثهٔ خونین بغلان که یک سال قبل صورت گرفت و شخصیت های ارجمندی در راس شان مرحوم شهید مصطفی کاظمی و جمعی از کودکان قربانی این حادثه دردناک شدند، بر روان آنها و همهٔ شهدای افغانستان و به روح شهید حبیب الله جان اتحاف دعا می کنم. یقیناً حادثهٔ بغلان یک فاجعه ملی بود. اما غم انگیز تر آن است این که این حادثهٔ بسیار مهم توسط مسؤولان نظام و قوهٔ اجرائیهٔ کشور، تعقیب و پیگیری نشده است.

آنانی که در کشمکش های فعلی کشور نقش دارند، آن ها این حادثه را تقبیح کردند. پس سؤال این جاست که چه کسانی در پشت این حوادث قرار دارند، گرچه کشورما از سال ها به این سو، هرروز شاهد حوادث غم انگیزی هست. چنانچه چند روز قبل در حادثهٔ اسفناکی شماری کشته شد و هر روز در اثر راکت های کوری آنهایی که به نام تامین امنیت و ثبات به کشورما آمده اند مردم مظلوم، زنان وکودکان بیچاره ما را به خاک و خون می کشانند.

گرچه در این اواخر برخی از مسؤولان نظام که در گذشته ها از این حملات استقبال می نمودند، اظهار انزجار می کنند، اما این حرف ها به عقیده من حنای بعد از عید است.

ما امروز در اجتماعی قرار داریم که در آن از شخصیت های شهید و در راس آن کاظمی شهید یادآور می شویم، کاظمی چهره های تابناک و برافتخار جهاد و مقاومت بود، کاظمی مرد حرف و عمل بود، کاظمی در سنگر فکر و در سنگر دفاع از کشور در پیشاپیش قرارداشت.

او امروز در میان ما نیست گرچه یاران او در صحنه هستند اما، جای او برای همیش خلی است.

گرچه کاظمی شهید و یاران همسنگر او به آرزوی شهادت بودند. اما فقدان شان بزرگترین خساره و حادثهٔ غم انگیزی است که تا سالیان دراز قلب های مردم ما را سخت آزار می دهد، البته ما در شرایط بحرانی و دشوار قرار داریم و اکنون به چنین شخیت های نیاز داریم.

کاظمی شهید به لقاء الله پیوست، اما من یقین دارم که دوستان او در جبههٔ ملی در گروه های جهادی در حزب اقتدار ملی با قاطعیت آرمانهای او را درمیان ملت پیاده خواهند کرد. اما نباید بیش از این بگذاریم این حادثه در ابهام بماند. دولت باید بی تفاوتی را کنار بگذارد. گرچه شورا هم باید تلاش هایی می داشت اما ناگفته نگذاریم چه بسا از تصمیم های دلسوزانهٔ شورا از طرف دولت لاجواب مانده است.

امروز شورا در بسا موارد، ارگانی است که قوهٔ اجرائیه کمتر حرف های آن را می شنود، اما با این حال باید این مساله تحقیق شود و هریکی ما باید آن را تعقیب کنیم، زیرا اگر چنین حوادث بزرگ فراموش گردد، کسانی که می خواهند کشور به طرف بحران حرکت کند خوشحال خواهند شد و ما در آینده شاهد هزاران حادثه دردناک دیگر خواهیم بود. امروز ما شاهد اختطاف ها و قتل های بی رحمانه، دزدی ها و حملات ظالمانه می باشیم که به خانه ها ومنازل مردم صورت می گیرد و حتا در اجتماعات عروسی شان قسمی که در شاه ولی کوت صورت گرفت بمباران می شود.

به هر حال ما باید در ارتباط حادثه بغلان که از حوادث غم انگیز است تحقیق کنیم.

اگر دولت به این کار توجهی ندارد، باید تجمعات صورت گیرد و صدای مردم بلند شود تا



معلوم شود که جنایت کار در کجاست و پشت سر این حادثه کیست، ما بدانیم چه کسانی هستند که می خواهند به طور دقیق افرادی را انتخاب کنند و نابود سازند و شخصیت هایی را که افراد کلیدی در کشور بوده و حیات و مرگ شان برای ملت اهمیت زیاد دارد. از میان بردارند.

حاضرین گرامی! در شرایط بسیار خاصی به سر می بریم. بی امنیتی ها ومشکلات زیادی دامن گیر کشورماست دنیا هم در طوفان حوادث حرکت می کند، حوادث مختلف و تغییرات عجیبی در دنیا به میان می آید. نتایج انتخابات اخیر امریکا در تاریخ جهان یک پدیده نو و باورنکردنی است. تا پیش از انتخاب اوباما، کسی فکر نمی کرد که در قصر سفید یک سیاه پوست راه پیدا کند. اما این حادثه اتفاق افتاد، این چه معنا می دهد؟ به عقیده من چنین حادثهٔ محصول کارهای نا درست نظام های حاکم آن کشور است. نظام قبلی امریکا اقداماتی انجام داد که همه به ستوه آمدند و به فکر این شدند که از این ورطه خود را نجات دهند.

چنین تمایلی و خواستی در کشورما هم وجود دارد، مردم از وضعیت کنونی به جان آمده اند، به فکر تغییر هستند، بیش از این کسی نمی تواند این حالت را تحمل نماید.

استراتژی جنگ و استراتژی سرکوب ملت ها، باید تغییر یابد، استراتیژی که می خواستند افراد و گروه های به خصوص را به گردن ملت ها سوار کنند و برادری و برابری ملت ها را از بین ببرند، فکر می کنم که زمان این سیاست ها گذشته است و زمان آن فرارسیده تا خود ملت ها تصمیم بگیرند.

قسمی که ما دیدیم در امریکا با یک اکثریت عظیم به خصوص نسل جوان، نسلی که خواهان تغییر بود، تغییر آمد. این خواسته تنها مربوط امریکاییان نیست، این خواسته را نسل جوان ما هم آن را دارند. یک سلسله تمایلاتی در گذشته ها در میان ما معمول بود که تصمیم گیری های سیاسی در کشورهای عقب مانده به خصوص در افغانستان مربوط به قدرت های بزرگ دانسته می شد، مردم می پرسیدند که انتخاب قدرت های بزرگ چیست؟ آنها کدام چهره را انتخاب می کنند اما دیگر نباید منتظر انتخاب آنها باشیم، ما باید خود تصمیم بگیریم، ملت افغانستان باید بدانند که تصمیم و اراده شان بالاتر از اراده و تصمیم قدرت های بزرگ بین المللی است.

اگر این ها تصمیم بگیرند یقینا خواست و اراده آنها از طرف خداوند بزرگ مورد حمایت قرار می گیرد. تحولات بین المللی اخیر حرف های زیادی را بیان می کنند. دنیای ما در مرحله جدیدی قرار گرفته است. دیروز چه حرف هایی گفته می شد. نویسندگان پایان تاریخ را نوشتند و گفتند نظام سرمایه داری آخرین نظام انسان هاست و هیچ نظامی دیگری نمی تواند جای او را بگیرد. ما می بینیم که نظام سرمایه داری دچار تزلزل شده است. آن مفکر و شخصیتی که تا دیروز کتاب پایان تاریخ را می نوشت امروز می نویسد که نظام سرمایه داری در حال سقوط است. ما می بینیم که در طی عمر خویش چه تحولاتی را دیدیم. دستگاه هولناک کمونیزم بین المللی و اتحاد شوروی سقوط کرد و ما شاهد استقلال کشورهای کوچک بودیم، شاهد تغییر جغرافیا و تاریخ بودیم حالا می بینیم که تفکرات نظام سرمایه داری هم در آستانه تغییراست.

در افغانستان باید راجع به این تغییرات درست بیندیشیم. مسالهٔ آشتی ملی یکی از قضایای بود که پارلمان آن را عنوان کرد، اما آن برنامهٔ شورای ملی مورد توجه کسی قرار نگرفت. ما امروز تلاش های مخفی و در پشت دروازه های بسته به جریان افتیده است. ما هر مذاکره یی را به خاطر حل قضیه و حل بحران افغانستان باشد تایید می کنیم. سهم گیری هر کشوری مسلمان و برادر را تایید می کنیم، اما نباید این قضایا به عنوان اسرار و راز باشد. مسایل ملی را باید توسط نهادهای ملی حل کرد. توسط پیوند های شخصی و فردی و وابستگی های فامیلی نمی توان در قضایای ملی تصمیم گرفت اما متاسفانه روند مذاکرات کنونی به همین بنا استوار شده است.

نشود که خدای ناخواسته این تلاش های مرموز پیامدهای داشته باشد که به نفع ملت نباشد. باید همهٔ مسایل شفاف و روشن باشد تا همه بدانند که این جریان از کجا آغاز شده و به کجا می انجامد.

در شرایط کنونی ما در آستانه یک تغییر هستیم. در امریکا یک سیاه پوست چندی بعد وارد قصر سفید می شود او حضورمردم محروم و طبقهٔ پایین را عنوان سیاست خود قرارداد. شما می دانید در جهت مقابل و سرمایه داران بزرگ و شرکت های کثیر الملیتی قرار داشت، اما اوباما از چه کسانی شروع کرد؟ از شاگردان دانشگاه ها، از مردم فقیر و محروم که تنها می توانستند ۵ دالر بپردازند. بالاترین رقم توسط سرمایه داران جمع نشد، شرکت های کثرالملیتی و نهادهای بزرگ مالی جهان، پولی را که برای مک کین جمع کردند بسیار کمتر از پولی بود که فقیران برای اوباما جمع کردند.

در اینجا به جاست که حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم را به یاد بیاوریم که فرموده اند: (هل تنصرون و ترزقون الابضعفائکم)

ای مردم آیا نمی دانید که رزق و روزی شما و پیروزی های شما، توسط مردم مستضعف صورت می گیرد.

یقیننا دهقان و کارگر فقیر و شاگردان به چیز هستند که عناصر تغییر اند.

امیدوار هستیم، قسمی که در جهان امروز زمزمهٔ تغییر به عنوان یک واقعیت عملی در معادلات سیاسی و بین المللی مطرح است، در کشور ما هم این مساله به عنوان یک مسالهٔ جدی مطرح گردد و ما باید به خود باوری برسیم و اجازه ندهم سرنوشت ما توسط حلقات مرموز تعیین شود.

یک بار دیگر به روان پاک شهید کاظمی، و کلای محترم و کودکان و شهدای شاه ولی کوت درود بی پایان می فرستیم.

مراسم یاد بود شهدای حادثه بغلان ...

در این زمینه سؤال برانگیز است وی از حکومت خواست تاراجع به این قضیهٔ ملی شفاف ترعمل نموده قناعت مردم را فراهم نماید.

استاد با اشاره به جریانات سیاسی کنونی کشور و خواستار شفافیت مذاکرات دولت با مخالفان شد و در این موضوع شد و تأکیدکردکه قضایای ملی باید توسط مراجع ملی حل وفصل شود، نه ازطریق روابط شخصی ، پیوند های قومی ووابستگی های فردی.

متن کامل سخنرانی استاد ربانی در این شماره به نشر می رسد.

محمد یونس قانونی رئیس ولسی جرگه، در مورد شخصیت مرحوم کاظمی گفت: او همواره در خدمت مردم افغانستان به خاطر رفاه وآسایش آنها مبارزه کرد و در این راه جام شهادت را نوشید.

آقای قانونی به هدف ها و برنامه های کلان سیاسی، اقتصادی کاظمی در مقیاس ملی اشاره نموده طرح های او را برای بیرون رفت از چالش های کنونی حایز اهمیت فراوان دانست. وی افکار نواندیشانهٔ آقای کاظمی را مشعلی برفراز راه آنانی دانست که در فکر ترقی و توسعهٔ افغانستان می باشند.

سخنران دیگر این همایش آقای فاضل سنچارکی رئیس ستاد مشترک برگزاری مراسم، و سخنگوی جبههٔ ملی، در سخنرانی خویش دولت و ارگان های امنیتی را متهم نمود که درمورد رخداد بغلان از سهل انگاری کارگرفته تحقیقات قناعت بخش را انجام نداده اند.

سنچارکی از ولسی جرگه انتقاد نمود و گفت این جرگه شش عضو خود را از دست داد، اما هیچگاهی موضوع آن، را در صدر اجندای جلسهٔ عمومی قرار نداد.

خانم فتانه گیلانی، رئیس مجمع زنان افغانستان کاظمی را مرد توانا وسیاستمدارمدبر یادکرد و مرگ او را ضایعهٔ المناک در تاریخ افغانستان عنوان نمود.

محمد محقق نمایندهٔ مردم در شورای ملی در مورد مرحوم کاظمی گفت: راه کاظمی به سمت و سوی توسعه و شگوفایی بود، اما متأسفانه امروز به عقب می رویم، ما وارد فصل تاریکی از خشونت های قومی می شویم و به گذشته باز می گردیم!

محقق از پروسهٔ عمران و بازسازی کشور انتقاد نمود و اظهار داشت ۱۸ ملیارد دالر که در افغانستان به مصرف رسیده مانند سگرت سوخته و دود شده است. وی افزود: اکنون در کشور اعتماد و وحدت ملی با اتخاذ سیاست های تک محورانهٔ دولتمداران صدمهٔ جدی دیده است.

او با اشاره به موضوع مذاکره با طالبان که دولت آن را در پشت درهای بسته انجام می دهد گفت: ملت ما به خاطر آزادی و استقلال کشور قربانی دادند، و شهدای زیادی را در این راه تقدیم کردندکه نمونهٔ آن کاظمی شهید است پس این ملت سزاوار آن است که دولت در چنین موضوع با اهمیت با آنان مشوره نماید.

دعا در کلام شاعران جهاد و مقاومت

راه نجات ماست کنون در پناه تو

عبدالقیوم ملکزاد



نظم روان و جان روان سینه را به است
شعر روان ز جان و روانِ گداخته است
نادان چه داند آن که سخندان به گاه نظم
جان را گداخته است و از آن شعر ساخته است

ادیب صابری

سخن از شاعری است، شیرین کلام، شاعری دردمند و توانا که "شعر تجنّی دردِ درون او" است.

آنی که "سخنش زمزمهٔ مرثیه ها" است. سخنوری که در روزگار استیلای شب باوران می گفت:

"سخن از "زلف خم اندر خم" شام سیه است
شعر زنجیره و رگبار و شب سلسله است
شعر توفان و غریو تنش زلزله است
شعر فریاد جنون و تن پر آبله است
شعر آوای ستیزندهٔ اشک و گله است
شعر دیگر نه کباب و نه شرا ب
شعر دیگر نه "گل و بلبل و پروانه و شمع"
نه "سرزلف نگار" و "لب جوی" و "دل جمع"

شعر امروز

ز ژرفای روان سای تب فاجعه یی است
که نوردد همهٔ شهر غزل
و فروزد همه سو هیمهٔ حماسهٔ تلخ
و گذرد همه جا کورهٔ اندوه سیاه"

این سخنوری که عذوبت کلامش چون شکر است، عبدالجلیل شبگیر پولادیان می باشد که هم به روش نوین قریحه آزمایی کرده و هم در سبک کلاسیک. به ویژه قصیده که می توان گفت سروده هایش همه استادانه اند و برخوردار از قوت افاده و بیان و پیام.

در روزگاری که به گفتهٔ خودش: "جای صدای خروس زوزهٔ زشت کلاب"* به گوش می چکید و "خانه های آباد ما، جایگه اهریمن" شده بود و "منبر ارشاد آخور مشتی دواب"! اشعار ناب و دل انگیزی به دفاع از سنگر جهاد و مقاومت و وصف دلیران پاک اندیش می سرود، نه به نام خودش، بلکه به اسم مستعار که دلیلش هم آشکار بود. وقتی که آن اشعار به نشرات مجاهدان چاپ و در اختیار مهاجران، سنگرداران قرار می گرفت، شور و شوقی شگرف بر آنان پدیدار می شد و از لابلای گلزار اندیشه اش شمیم دلنواز امید و آزادی بر مشام ها می بیخت.

جا دارد از این سخنساز گرانقدر بیشتر گفته آید، که در این برهه مجال آن نیست. زیرا محور سخن این قلم در باب نیایش است. بختی که روزگاری است بنا به عواملی به تأخیر افتاد.

به اثر ارزشناک "فراز برج خاکستر" یکی از مجموعه های اشعار آن شاعر نام آور چشم می کشایم دیدهٔ ما بر چهرهٔ "دشت های فتح" می افتد که با مطلع:

تا شام یأس می شکند صبحگاه تو
آتش زند به جان سیاهی نگاه تو

آغاز می یابد، بیانگر شکست خصم و "شکست شام یأس" است و این نگاه سپاه حق است که آتش به جان ظلمت می افگند. سپاهی که از نظر او: "سنگین تر از صلابت کوه است" گاه "او" شبگیر ضمن ترسیم اوضاع آن روزگار - که آمیخته با درد است و تعب و اشک آه، به سان غریقی که دست نیازش جز به سوی خدا بلند نیست، می سراید:

دست مرا بگیرد در این بحر موج خیز
راه نجات ماست کنون در پناه تو

و متعاقب آن می سراید:

این عرصه را حضور تو سرشار می کند
روشن شود زمانه در آن جلوه گاه تو

در آثار شبگیر ابیات دیگری که حاوی رنگ نیایش باشد، نیز می توان دریافت کرد که در فرصت های دیگر نگاهی به آنها نیز خواهیم افگند.

در قحط سال عشق

شبگیر پولادیان

در قحط سال عشق؛
فرصت غنیمت است.
تا یاد چشم های ترا چون شراب تلخ؛
تا آخرین قرابه بنوشم.
***
درقحط سال عشق؛
بازار ابتذال،
سرمایه ی شرافت دستان خفت است.
در پیچ کوچه ماه به لیلام می رود.
نرخ نگاه و ناز دوسه سکه بیش نیست.
میعاد عاشقانه به جیب گشاد تست!
***
در قحط سال عشق؛
بگذشته صدهزار شب ویک شب دیگر.
گلبانگ شهرزاد نمی آیدم به گوش.
دلدادگان به ساحل خاموشانه رفته اند.
مجنونیان تلخ
درسنگواره های عتیق زوال خویش
مصلوب گشته اند.
گلزار را رطوبت باران عشق نیست؛
تا گام هی عاشق شیداییان؛
در موج با طراوت بر عشق ترشوند*
درقحط سال عشق؛
آن یار را نشانه کجا می توان گرفت.
او را که رفته درسفر دردناک خاک.
او را که تن به آتش رگبار داده است.
گویی که سالها شد و هرگز ندیدیمش.
مانند آنکه هیچ ز مادر نزاده است.
ای یار!
ای ترانه ی گمگشته در سکوت!
آوای وحش جنگل بومی!
در لحظه های سبز تو یابم کجا
بگو!
رؤیای پر شگوفه ی رنگین خواب را؟
آیا توان گذشت از این غربت غروب
با چشم های شرقی تو آفتاب را؟
در قحط سال عشق
آیا دوباره باد
از کوچه های سنجد و شبدر
از باغ های قامت عرعر
از شط گیسوان تُو گلموج می برد؟
نه! نه!
در قحط سال عشق؛
تنها توان به خلوت خود مانده وگریه کرد.
در مویه های شام غریبانه نام تو!
تنها شکست و ریخت
به اعماق خویشتن؛
گلواژه های پرپر شط کلام تو!
در قحط سال عشق؛
ابر است و باد وسربی آفاق روز وشب
هر لحظه ام سیاهی پندار می تند.
بر بربط شکسته شعر شکسته ام؛
بیگانه گی که زخمه ی ناجور می زند.
در قحط سال عشق؛
با این غریبه ماه ندارد سرنگاه؛
وز این غریبه آفتاب گریزد.

*تعبیری از تذکره الاولیا عطار

برگی از ادبیات در منظر اسلام

خطبه، حدیث و نامه؛ گونه های ادب اسلامی

وسعت ادبیات متعهد اسلامی از فحوای سخنان پیامبر صلی الله علیه وسلم و سخنان صحابه آشکار می شود و به انواع مختلفی تقسیم می گردد و در دورهٔ آنان به شکل اقسام ادبی مهمی در آمد که در نثر شامل خطبه، حدیث و نامه می شد.

این قالب های ادبی پایه یی شد که ادب عصر آنان بر آن بنا شد. گفتنی است ادبیات در قالب خطبه و نامه قوی تر ظاهر شد. چون توجه بیشتری بدان معطوف بود و نیاز زندگی جدید به این دو بیش از سایر انواع ادب بود و آن به سبب رواج کار دعوت و ارشاد و مسایل مهم حکومت و نظام بود.

خطبه بر همان اساس قدیمش نهاده شد و به اشکال هنری نوی آراسته گشت و از تعابیر مؤثر و زیبای قرآنی بهره مند گشت و به کمال خود رسید. ولی نامه ها به صورتی آشکار تر و قوی تر بروز کرد و گونه یی ملموس به نظر رسید. زیرا عرب از مرحلهٔ جاهلیت به فرهنگ اسلام پا گذاشته بود و از انزوای بدویت به میدان فراخی با جنبه های اجتماعی سیاسی اسلامی به درآمده بود و نامه بهترین رسانه در حیات نو اجتماعی به شمار می آمد. لذا در این دو مورد، ادبیات عصر صحابه به صورت خاصی مطرح گشت.

سیاهی در قصر سفید

وحید مژده

تغییر در استراتژی نظامی ضرورتی است که هیچ کس نمی تواند آن را نادیده بگیرد اما صلح وثبات در افغانستان را نمی توان فقط با تغییر در استراتژی نظامی به میان آورد تا زمانی که در این کشور یک دولت کارا و مؤثر به میان نیامده باشد.



از زمانی که نخستین محصل سیاه پوست مجال شمولیت در یکی از دانشگاه های امریکا را یافت دهها سال می گذرد و از زمانی که نخستین زن سیاه پوست در امریکا جرأت کرد تا در قسمتی از بس که اختصاص به سفید پوستان داشت برود و روی کرسی یی که قبلاً هیچ سیاه پوستی به آن دست نزده بود بنشیند زمان بیشتری سپری شد زمان بازهم بیشتری لازم بود تا سیاه پوستی جرأت نماید تا خود را کاندید شهرداری در امریکا کند و یا تصور رسیدن به مقام سناتوری را در سر بپروراند. اما به تدریج این کار ها عملی شد و اکنون سیاه پوستی به مسند ریاست جمهوری امریکا تکیه زده است.

آیا امریکا زیاد عوض شده است؟ در ظاهر امر چنین به نظر می رسد. باراک حسین اوباما یک سیاه پوست افریقایی تبار که پدرش هم مسلمان بوده است اینک بر مسند ریاست جمهوری قدرتمندترین کشور جهان تکیه زده است. این تغییر را چگونه می توان توجیه کرد؟

مردم امریکا وقتی در معرض این امتحان قرار گرفتند که میان دو نامزد دموکرات- یک زن و یک سیاه پوست — یکی را انتخاب کنند این انتخاب نیز آسان نبود. در تاریخ امریکا هیچگاه زنی به مقام ریاست جمهوری نرسیده است. هرچند هلیری کلنتن با استفاده از خاطرات خوشی که شوهرش در دوران ریاست جمهوری خود در اذهان مردم امریکا برجا نهاده بود سعی کرد تا کاندیدای حزب دموکرات گردد اما در این تلاش ناکام ماند. مردم یک مرد سیاه را بر او ترجیح دادند. سیاهان امریکا بیشتر از نسل بردگانی اند که در آغاز کشف این سرزمین از افریقا برای کار در مزارع به قارهء جدید آورده شدند. تا چند دهه قبل نیز در امریکا تبعیض نژادی حاکم بود.

اما آیا رنگ پوست اوباما می تواند در نگاه او نسبت به جهان خارج از دنیای غرب تأثیر داشته باشد؟ آیا اوباما شخصیتی شبیه به مارتین لوترکنگ است ویا کاپی مردانه یی از کاندالیزارایس؟! گفته می شود که اوباما از مبارزات مارتین لوترکینگ رهبر جنبش سیاهان امریکا در دههء شصت میلادی تأثیر پذیرفته است.

اگر به سخنان اوباما توجه کنیم، او را شخصی متفاوت از بوش یا مک کین می یابیم اما وقتی به این مسأله توجه می کنیم که در امریکا قدرت لابی صهیونیزم بین المللی تا چه حد فراگیر است و هیچ رئیس جمهوری بدون تعهد با حامیان اسرائیل نمی تواند به این مقام دست یابد، دراین صورت در این که اوباما را با لوترکینگ یا مالکوم ایکس مقایسه کنیم دچار تردید می شویم. بخصوص وقتی مصارف سرسام آور این انتخابات را در نظر بگیریم.

گفته شد که مردم به دو نامزد انتخاباتی مبلغی در حدود یک میلیارد دلار اعانه داده اند از این یک هزار میلیون دلار سهم مک کین حدود چهل درصد و از اوباما شصت درصد بود. اما قبل از رأی گیری مشخص شد که دو کاندیدا در این کارزار تا دو روز قبل از انتخابات چهارهزار و پنصد میلیون دلار مصرف کردند. که بخش بزرگ آن مربوط به مصارف اوباما بود. هر دقیقه از اعلان تبلیغاتی اوباما صدها هزار دلار مصرف داشت و گفته شد که تا پایان انتخابات، مصارف به پنج میلیارد و سه صد میلیون دلار خواهد رسید. این را هم می دانیم که نه اوباما میلیونر است و نه مک کین. پس این همه پول از کجا آمد؟ مگر قدرت اقتصادی در امریکا به دست یهودیان نیست؟

برای ما که عادت کرده ایم حتی در پشت کمک های به ظاهر بشردوستانهء امریکا نیز اهداف دیگری را ببینیم شاید حق داشته باشیم که در این تغییر شک کنیم. آیا پس از دو دوره از ریاست جمهوری بوش که چهرهء کریه وغیر انسانی امریکا به جهان به صورت بارز مشخص شد، آیا به چنین تغییری ضرورت نبود؟ می دانیم که در امریکا همه رسانه های تأثیر گذار بر افکار عمومی متعلق به هواداران اسرائیل است. چرا این رسانه ها همصدا از اوباما جانبداری کردند و حتی در مورد نام وسطی وی (حسین) که یک نام اسلامی است حساسیتی نشان ندادند.

کسانی که امریکا را رهبری می کنند رسیدن به مقام ریست جمهوری در آن کشور را کسر شان خود می دانند. آنها خود رئیس جمهور تعیین می کنند و اگر ضرورت ایجاب نماید وی را برکنار می کنند. تاهنوز راز قتل جان کنیدی رئیس جمهور امریکا که حدود چهل سال قبل به قتل رسید افشا نشده است.

در انتخابات اخیر تقریباً از همان ابتدا مشخص بود که مردم دیگر به حزب جمهوریخواه رأی نخواهند داد. جمهوریخواهان در دوران ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش برای امریکا و جهان مشکلات زیادی به میان آوردند که امروز به عنوان میراث شوم بوش به اوباما باقی خواهد ماند؛ دو جنگ به بن بست رسیده و یک اقتصاد بحران زده و از همه مهم تر چهرهء کریهی از امریکا که دیگر برای غارت کشورهای ضعیف حتی نیازی به پنهان کاری هم ندارد. این چهره باید تغییر کند تا جهانیان به این تصور بیفتند که امریکا چهرهء انسانی هم دارد.

مردم امریکا در هفته های اخیر مبارزات انتخاباتی دو رقیب دیگر توجهی به جنگ عراق و افغانستان نداشتند. در این دوره مسألهٔ بحران اقتصادی بیشتر از جنگ علیه تروریسم اذهان را به خود مشغول کرده بود و بیشتر توجه به برنامه های اقتصادی دو نامزد معطوف شد.

برای ما افغانها نخستین سوالی که مطرح است این است که این انتخابات چه تاثیری بر برنامه های امریکا در افغانستان خواهد داشت؛ آیا استراتژی امریکا در رابطه به افغانستان دستخوش تغییر خواهد شد؟

دولت افغانستان آرزومند این است که در صورتی که تغییری در استراتژی جنگ علیه تروریسم به میان می آید، باید این تغییر، ضربه زدن موثر تر بر پایگاه های تروریست ها در آن سوی دیورند را شامل گردد در حالی که این روند از قبل آغاز گردیده و از آن نتیجهء ملموسی به دست نیامده است.

تغییر در استراتژی نظامی ضرورتی است که هیچ کس نمی تواند آن را نادیده بگیرد اما صلح وثبات در افغانستان را نمی توان فقط با تغییر در استراتژی نظامی به میان آورد تا زمانی که در این کشور یک دولت کارا و موثر به میان نیامده باشد. دولت افغانستان تلاش دارد تا با تقبیح کشتار غیرنظامیان برای خود محبوبیت مردمی کسب نماید. گویی مردم نمی دانند که قرارداد های استراتژیک با کشتارگران را همین دولت امضا کرده است!

تیم کاری یی که بعد از کنفرانس بن در افغانستان روی کار آورده شد وابسته به همان شرکت هایی نفتی بودند که حزب جمهوریخواه در آنها منافع داشت. آقای زلمی خلیل زاد در مقام یکی از دست اندرکاران شرکت یونیکال، دوستان وهمکاران خود را از میان معاش بگیران همان شرکت در افغانستان به قدرت رسانید اما این تیم در طول هفت سال گذشته همان امتحانی را داد که کارفرمایانش در امریکا دادند. اگر قرار باشد تغییری که برای مردم افغانستان امیدوار کننده باشد در این کشور به میان آید باید این چهره های ناکام کنار نهاده شوند. توجه به افغانستان بدون ایجاد چنین تغییر اصلاً مفهومی نخواهد داشت.

با توجه به این حقیقت که اکنون نخستین توقع مردم امریکا از اوباما و دموکرات ها مبارزه با بحران اقتصادی خطرناک در آن کشور است، این مسأله می تواند خطر کم شدن کمک های اقتصادی به افغانستان را در قبال داشته باشد اما به این نکتهء بسیار مهم هم باید توجه کرد که مصارف سالانهء نظامی امریکا در افغانستان به سی وشش میلیارد دلار تخمین می شود اما مجموع کمک های هفت ساله به برنامهء بازسازی افغانستان چیزی در حدود دوازده میلیارد دلار عنوان شده است. به عبارهٔ دیگر امریکا در طول هفت سال گذشته فقط معادل سه ماه مصارف نظامی خود را صرف بازسازی افغانستان نموده است.

اوباما قبلا به صراحت از فساد گسترده در دولت افغانستان ولزوم مبارزه با این فساد سخن گفته بود. از آن جایی که ادارهٔ موجود در افغانستان نه توان و نه هم اراده ای برای مبارزهء با فساد دارد. (درست مانند دولت پاکستان و مبارزهٔ دولت آن کشور علیه تروریسم) بنابراین لازم است تا اوباما تغییر در استراتژی را از همین جا آغاز کند. اگر چنین نکند، او نباید امیدی به فتح سنگرهای تروریسم در افغانستان ویا فتح قلب های مردم این کشور داشته باشد.

تناقض گویی های مسؤولان دولت در مورد مجازات مجرمین

ثامر

سال هاست که مردم افغانستان از نبود امنیت در کشور رنج می برند، تعدادی جان های خود را از دست می دهند، اموال شان حتا در روز روشن به تاراج می رود، اطفال و جوانان ربوده می شوند و مردم از نبود امنیت در حالت ترس و وحشت به سر می برند.

تعدادی از دزدان و اختطافچیانی که به دست نیروهای امنیتی می افتند، به میز محاکمه کشانده نمی شوند و یاهم گفته می شود که، فیصله های محاکم لاجراء باقی می ماند.

بر اساس ماده ۱۲۹ قانون اساسی، تمام فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است، مگر در حالت حکم به مرگ شخص که مشروط به منظوری رئیس جمهور باشد.

دلایل به تعویق انداختن حکم اعدام از جانب رئیس جمهور هم شاید این باشد که کشور های کمک کننده و حامیان افغانستان و حقوق بشر خواهان اعدام و تطبیق حکم شرع نمی باشند و این را نوعی از خشونت می دانند. در حالی که در اسلام قصاص جنایتکار در محضر عام خشونت نه، بلکه باعث درس عبرت دیگر اتباع جامعه می شود تا اصلاحات به میان آید و از رشد فساد و بی امنی و بی ثباتی در جامعه جلوگیری صورت گیرد.

رئیس‌جمهور حامدکرزی دو هفتهٔ قبل در سخنرانی خویش در دومین روز نخستین شورای زنان افغانستان که در لیسه امانی دایر گردید، در مورد درخواست‌ها برای اعدام علنی رباینده‌گان، گفت: «تا زمانی که من هستم، در صورتی‌که محکمه حکم اعدام را صادر کند، پشت گپ‌های خارجی‌ها و حقوق بشر نمی‌گردم و آن‌را عملی می‌کنم، ولی نه علنی، چراکه خود این کار یک نوع خشونت است.» در این جلسه که نمایندهٔ اتحادیهٔ اروپا حضور داشت، رئیس جمهور کرزی با اشاره به وی، خطاب به حاضرین گفت، نماینده اتحادیه اروپا می‌گوید در صورت تطبیق اعدام، آن‌ها کمک‌های خود را به افغانستان قطع می‌کنند.

به دنبال رهایی همایون شاه آصفی از شخصیت‌های برجسته سیاسی و از نامزدان انتخابات ریاست جمهوری دورهٔ قبلی افغانستان و همچنین عبداللطیف فرزند معاون عزیزی بانک که چندی پیش از سوی آدم ربایان حرفوی ربوده شده بودند، به کمک و پشت کار نیروهای امنیت ملی از منطقهٔ تره خیل ده سبز، رئیس عمومی امنیت ملی از نهادهای قضایی افغانستان خواستار محاکمه آدم ربایان شد و تأکید کرد که اگر آدم ربایان مجازات نشوند، نمی‌توان جلوی حوادثی از این دست را گرفت. امر الله صالح رئیس عمومی امنیت ملی گفت: ما این ها(مجرمان) را ما بالفعل و با اسناد و مدارک گرفتار کرده ایم. باید بدون معطلی دوسیه های شان فیصله وحکم شرعی بالای شان تطبیق شود. قبلاً وی گفته بود ما تروریست را با اسناد، تصویر، با واسکت مواد انفجاری می گیریم. چرا محاکمه نمی شوند.

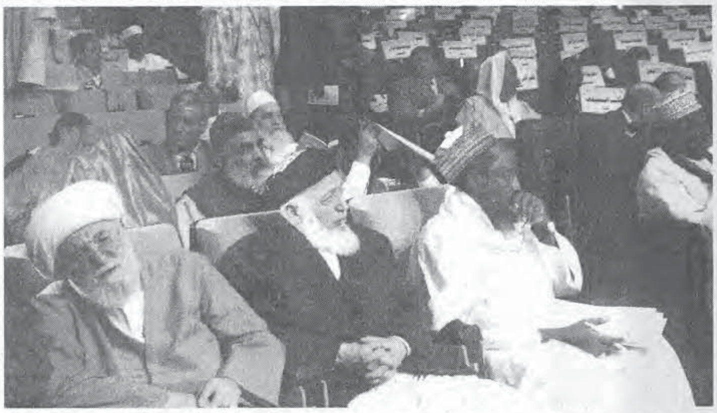
بنا به گزارش رسانه ها، قوهٔ قضائیهٔ افغانستان، به دنبال طرح انتقادهایی مبنی برعدم مجازات مجرمان واکنش نشان داده و اعلام کرده است که، در ماه های اخیر بیشتر از صد و سی مورد حکم اعدام صادر و برای تایید به رئیس جمهوری فرستاده اند.

قوهٔ قضائیهٔ افغانستان همچنین اعلام کرده است که، حدود سه سال گذشته دوسیه های حدود سه صد تن را که به دلیل دست داشتن در موارد آدم ربایی مجرم شناخته شده بودند، بررسی و درباره آنان حکم قطعی صادر و درحال حاضر فقط ۴۰ دوسیه در دستگاه قضایی موجود است که بررسی ها برای صدور حکم قطعی در مورد آنان آغاز شده است. یک مقام دادگاه عالی کشور، گفته های مسوولان امنیتی مبنی بر این که، مجرمان از سوی قوهٔ قضائیه به جزای اشد مجازات محکوم نمی شوند و با جزای کم و برائت آزاد می گردند، را رد نموده گفته است که، در بعضی قضایا متهمان مدعی اند که، موظفین امنیتی آن ها را با جبر و اکراه وادار به اقرار می کنند.

رئیس مجلس سنای افغانستان روز چهارشنبه در جلسه یاد بود اولین سالگرد حادثه ۱۵ عقرب بغلان که در شورای ملی دایر گردیده بود، راه موثر برای جلوگیری از کشتار مردم و اختطاف ها را، اجرای حکم اعدام در قبال جنایت کاران و اختطاف گران دانسته گفت: جنایت کاران که شناسایی می شوند، باید اعدام شوند.

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاومقاومت در هشتمین همایش جهانی دعوت اسلامی ....





مورد توجه سخنرانان قرارگرفت، همچنان آنها توجه به زنان و تقویت حضور آنان در عرصه های اجتماعی و فرهنگی را در کار دعوت اسلامی بسیار با اهمیت خواندند.

درنشست های تخصصی این همایش، چالش های دعوت اسلامی در عصر کنونی مورد بحث قرار گرفت. در این بحث ها گفتگوی ادیان و فرهنگ ها جایگاه خاصی داشت و اشتراک کنندگان تلاش ها جهت ایجاد نفرت و دشمنی میان ادیان و فرهنگ ها را مورد نکوهش قرار دادند.

سخنرانان تاکید کردند که تروریزم مربوط به هیچ دین و فرهنگی نیست، کسانی که می خواهند تروریزم را به دین خاصی مرتبط نشان دهند در حقیقت در صدد ترویج نظریه برخورد تمدن ها و ادیان می باشند.

در جلسه پایانی این همایش نسبت به فشار های که در برابر سازمان های اسلامی در جهان غرب صورت می گیرد اظهار نگرانی گردید و از سیاست اسرائیل مبنیّ بر یهودی سازی بیت المقدس و نابودی مقدسات اسلامی انتقاد شدید صورت گرفت.

در هشتمین همایش جهانی دعوت اسلامی، توجه به فرهنگ وتمدن اسلامی در آموزش و پرورش کودکان و جوانان، هماهنگی تبلیغ و خدمات اجتماعی و تقویت تجربه های عرفانی در جهان اسلام را به عنوان راه کارهای نوین تبلیغ دینی پیشنهاد نمود.

کاهش فقردر جهان و مخالفت با استفاده از نیرو در روابط میان کشورها، از موضوعات بین المللی بود که مورد توجه هشتمین همایش جهانی دعوت اسلامی قرارگرفت.

همایش جهانی دعوت اسلامی توسط مؤسسهٔ دعوت جهانی اسلامی کشور لیبیا هر چهار سال یک بار برگزار می گردد.

استاد ربانی در این سفر با شخصیت ها و رهبران دینی کشورهای اسلامی و مسؤولین مؤسسهٔ دعوت جهانی اسلامی لیبیا ملاقات و مذاکراتی انجام داد.



سیاهان در امریکا

از تبعیض نژادی تا قدرت سیاسی

انتخاب اوباما نشان داد که روشنفکران نژاد طلب کشورما برخلاف ادعاهای خود شان بسیار عقب مانده هستند، آنان درست است که این اندیشه ها را از اروپا و امریکا گرفته اند اما از اروپای قرن ۱۸ و ۱۹ و از امریکای دوران تبعیض نژادی!

نه تنها سیاهان را آدم های درجه دوم و حتی به سان مطرودان در جامعهٔ هند نمی شناختند بلکه آنان را با حیوانات درندهٔ چون سگان همسان می دیدند. تفرجگاه ها و هتل هایی کم نبود که بر دروازه های ورودی آنها ننوشته باشند "سگان و سیاهان داخل نشوند".

با گسترش اندیشه های انسانی و حقوق بشر و مبارزات سیاهان و بروز رهبران بزرگی درمیان آنان در نیمهٔ دوم قرن بیست مانند والترکنگ و مالکولم ایکس آهسته آهسته در راه برابری با سفید پوستان قدم برداشتند تا آن که در نیمهٔ دوم قرن ۲۰ در پی کشته شدن والترکنگ رهبر جدی و سخنور پرآوازهٔ سیاهان، قانون تبعیض نژادی پایان یافت و سیاهان رسماً دارای حقوق برابر شهروندی با سفید پوستان شدند.

هرچند از آن هنگام تا امروز، سیاهان به مقام هایی در جامعه و دولت امریکا دست یافته اند و در سال های پسین کسانی از جنس آنان مانند کولن پاول و خانم کاندولیزا رایس حتی به پست وزارت خارجهٔ امریکا یکی پس از دیگر رسیدند، اما گمان نمی رفت که به این زودی ها، سیاهی به عنوان رئیس جمهور امریکا به کاخ سفید راه یابد.

شاید راه یافتن اوباما به کاخ سفید با رأی و انتخاب مردم امریکا به آخرین رسوبات فرهنگ متعفن تبعیض نژادی و دغدغه های عدالتخواهانهٔ سیاهان لااقل در ظاهر امر پایان بخشد.

پیروزی اوباما به هر دلیلی که صورت پذیرفته باشد در تاریخ امریکا یک تحول بزرگ به حساب می آید. می تواند در رقم زدن به پیروزی اوباما در انتخابات ریاست جمهوری امریکا عواملی گونه گون از ملی تا بین المللی و از اقتصادی تا سیاسی نقش داشته است، اما هیچ کدام آن ها از اهمیت این تحول از این پهلو نمی کاهد. کشوری که با اکثریت بزرگ سفید پوست تا چهل سال پیشتر سیاهان را انسان نمی شمرد، امروز دیگردیسی درونی و فرهنگی آن به جایی رسیده است که یک ساه پوست اجنبی زاده را به سیادت و رهبری بر می گزیند.

این که مردم آمریکا برای چه مقاصدی به اوباما رأی داده اند بحثی دیگر، و این که اوباما در برابر چالش های سیاسی و اقتصادی آمریکا و جهان چگونه فایق می آید و آیا او راهش را از راه رهبران پیشین امریکا و بالتبع نحوهٔ برخورد امریکا را با جهان تغییر خواهد داد و سیمای آمریکا را دگرگون خواهد کرد نیز بحثی دیگر است.

انتخاب اوباما تنها از این باب که یک سیاه است نیز یک تحول شگرف انسانی است. این تحول در کشوری به وجود می آید که بیش از چهل سال پیش نه تنها سیاه را یک نژاد پست می شمردند بلکه او را مظهر بلادت و بی خردی و نادانی که این صفات عقبماندگی را به خلقت و ذات به میراث برده است می دانستند اکنون قاطبهٔ مردم امریکا به اوباما نه به عنوان یک انسان عادی و دارای توانایی های برابر با دیگران که به عنوان رهبری توانا که ناهنجاری های دشوار و چالش های بزرگ ملی و جهانی آنان را با خرد ورزی و کاردانی می تواند حل کند می نگرند. واقعاً وقوع این امر در کشوری که در آن ارزش های برابری و انسانی، تاریخی بسیار طولانی ندارد حادثه یی بزرگ است.

انتخاب اوباما از این باب برای ما نیز بسیار عبرت آموز است، ما که مدعی هستیم بیش از چهارده قرن است که به ارزش های انسانی برادری و برابری و عدالت به عنوان ارزش های توحیدی باور داریم و برتری و تفوق نژادی را از مظاهر شرک می انگاریم، اما گاهی به مکتوب و غالباً غیر مکتوب فرمانروایی و دست یافتن به مقام های بلند اجتماعی و دولتی را سالیانی متمادی است که از آن نژادی خاص و گروهی ویژه می شناسیم و حتی حق داشتن نیت رسیدن به فرمانروایی و این مقام ها را به "دیگر" قایل نیستیم و برای این کار دست به صدها دلیل و تزویر می زنیم، هویت ها را تغییر می دهیم، معالم تاریخ را دگرگونه می نویسیم و حتی بتوانیم جغرافیا را نیز وارونه می کنیم.

کسانی هستند که برای انحصار نژادی قدرت سیاسی پیوسته این کارها را انجام می دهند و بزرگترین دلیلی که به آن چنگ می زنند و ادعای اکثریت داشتن است، همان منطق مشرکان در جاهلیت که به قول قرآن کریم می گفتند: (نحن أکثر منکم مالاً و ولداً) "ما بیشتر از شما مال و فرزند داریم" خود را به این مقام ها سزاوار و دیگران را ناهنجار می دانند. این نژاد خواهی آنان را به حدی به خود مشغول کرده است که به تعبیر قرآن کریم آنان را از همه مسائل مهم غافل کرده است و تنها دل مشغولی آنان از این همه مسائل مهم کشور همین کثیر شمردن خود شده است. حتی برای این منظور به شمارش گورها می پردازند: (الهاکم التکاثر حتی زرتم المقابر).

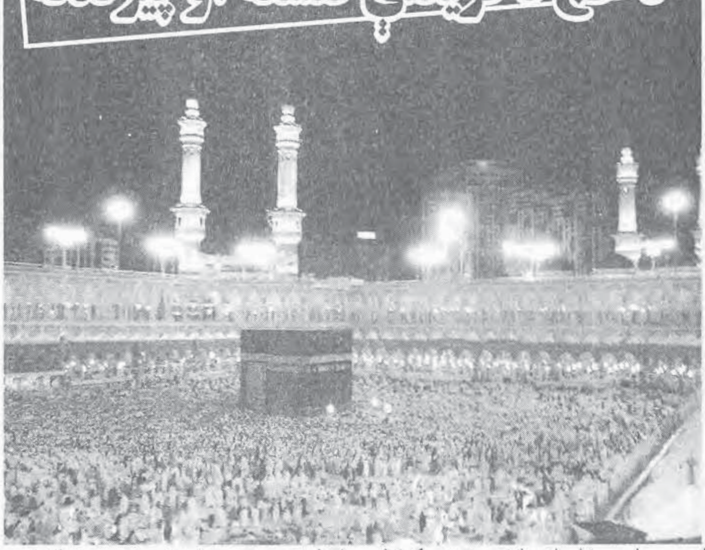
غالباً کسانی که این پروژهٔ سیاسی تبعیض نژادی را در کشورما رهبری می کنند از تحصیل کرده ها و کسانی اند که خویشتن را روشنفکر و طرفدار اندیشه های حقوق بشر و آزادی های انسانی و... می دانند!

انتخاب اوباما نشان داد که روشنفکران نژاد طلب کشورما برخلاف ادعاهای خود شان بسیار عقب مانده هستند، آنان درست است که این اندیشه ها را از اروپا و امریکا گرفته اند اما از اروپای قرن ۱۸ و ۱۹ و از امریکای دوران تبعیض نژادی!

امریکاییان با انتخاب اوباما کاری کردند که ما با تاریخ و فرهنگ خود شایستهٔ انجام آن بودیم چون پیش از چهارده قرن پیامبرمان علیه الصلاة و السلام گفته بود: (اسمعوا و أطیعوا ولو ولی علیکم عبد حبشی رأسه کالزبیب و إذا حکمکم بالقرآن) "بشنوید و فرمان ببرید هرچند برده یی حبشی (سیاه) برشما فرمانروا گردد، وقتی شما را برپایهٔ تعالیم قرآن فرمان دهد".

انتخاب اوباما روی هر دو گروه از تفوق طلبان نژادی ما را سیاه کرد: روی مدعیان دروغین دموکراسی و حقوق بشر را، و روی مدعیان دروغین اسلامگرایی و پابندی به ارزش های دینی را!

د حج د فریضې فلسفه او پېژندنه



پاتې له اول مخ نه

آزادي او د بدن له روغوالي څخه عبادت دي او د فرضیت دلیل یې قرآني آیتونه او نبوي احادیث دي.

حج یو مالي او بدني دواړه ډوله عبادت دی چې د شوال او ذوالقعدې میاشتې او د ذوالحجې لومړی نیمایی یې موسم دی. د دغه عبادت فلسفه په بنیادي توګه د الله جل جلاله د وحدانیت په حقیقي توګه پېژندنه او د مسلمانانو د یووالي او رښتوني برابرۍ درک کول او پېژندل دي؛ ځکه د حج په دوران کې له هغو مقدسو مقاماتو څخه لیدنه او هسې مناسکو او اعمالو انجامول صورت مومي چې ګردواړه یې د الله ج په وحدانیت او د انسان په عجز او بندګۍ دلالت کوي او هم یې د مناسکو د اداکولو پر مهال د اسلامي امت د سرتاسري یووالي، ورورولۍ، خواخوږۍ او رښتنې مساوات څرګندونه کیږي، د هغو تاریخي کړنو یاد تازه کیږي او هغه مقدس مقامات لیدلی کیږي چې د انبیاؤ علیهم السلام پلار حضرت ابراهیم او د هغه ځوي اسماعیل (علیهم و علی نبینا السلام) لخوا یې د اسلامي امت لپاره بنیاد ایښودلی شوی دی. هغه چې قرآن کریم ورڅخه یادونه کوي فرمایي: (و إذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت)

ژباړه: او هغه وخت یاد کړه چې ابراهیم علیه السلام دالله د کور (بیت الله) بنیادونه لوړول او د کعبې بنیادې کېښوده. ابراهیم علیه السلام چې کله د عراق له بابل څخه د سوریې د "حران" سیمې ته لاړ او بیا له هغه ځایه یې د مصر او فلسطین د خاورو په لوري سفرونه وکړل نو د یو سفر په دوران کې د یو ظالم واکمن لخوا د هغه بیبي (ساره) ته د بد قصد اراده وشوه او په نتیجه کې یې ظالم واکمن خپل بد انجام ولیده چې د ابراهیم او سارې منزلت او مقام ورته څرګند شونو خپله یوه وینځه "هاجر" یې ورته وبخښله چې بیا "سارې" هغه ابراهیم علیه السلام ته وبخښله او هغه په نکاح کړه: د سارې او هاجر دواړو یو ځای ساتل "سارې" خوښ نکړل او له ابراهیم علیه السلام څخه یې غوښتنه وکړه چې "هاجر" دې له هغې ډېره لیرې بوځي، نو هماغه ؤ چې ابراهیم علیه السلام د هغه ستر مقصد په لوري خپل ژوند تېراوه چې د کایناتو خالق ذات یې له ابراهیم څخه تحقق غوښتی ؤ. ابراهیم علیه السلام د حجاز د مقدسې خاورې په لور له "هاجر" سره راهي شو او چې کله د مکې معظمې هغه سیمې ته ورسیده، چې د الله کور په کې قرار لري، هاجر یې هلته پرېښوده، هاجر ته الله جل جلاله اسماعیل علیه السلام ځوی ورکړ او په دې دوران کې مور او ځوي د حرم په دښته ځمکه د سختۍ شپې ورځې تېرولې چې د اسماعیل علیه السلام د تندې په نتیجه کې د زمزم د اوبو د راوتلو او د صفا او مروه دوؤ غونډیو ترمینځه د هاجر د هڅو او منډو د صبر او استقامت مظاهرې د صفا او مروې ترمینځه د سعې د هغه عمل بنیاد کېښود چې اوس یې حاجیان د یو واجب منسک په توګه د حج په دوران کې انجاموي.

نو د حج فریضه په حقیقت کې د هغه "ابراهیم" د توحیدي کردار یادونه ده چې هغه صلی الله علیه وسلم د یو رب د منلو په نیت د خپل قوم بتان مات کړل او د الله د بندګۍ او پرستش لپاره یې د الله د هغه کور بنیادونه ودرول چې د آدم علیه السلام له آبادولو وروسته د نوح د طوفان په ذریعه وران شوی ؤ او هلته له مېشتېدو وروسته یې د خپل اولاد لپاره دعاء وکړه چې ای الله! ته دغه ښار د آمن ځای وګرځوې چې د دنیا له ګوټ ګوټ څخه خلک ستا د پرستش لپاره راشي او هغه مهال دغه دښته سیمه یې، په خپلې دعاء سره د نړۍ له هر ډول میوؤ او داتو څخه برخمنه وګرځوله چې اوس هر حاجي دغه معجزاتي عمل (په مکه کې د غذایي موادو او میوؤ پریماني) د سر په سترګو ګوري او بیا یې خپل ځوي اسماعیل علیهما السلام د قرباني کولو د حکم (چې په اړه یې د خوب له لیاري ورته الهي وحې راغلی وه) د تحقق لپاره د منا هغې سیمې ته بوتللو چې اوس په کې مسلمانان د ابراهیمي سنت د تازه ساتلو په توګه قرباني کوي او د شیطان لخوا د ابراهیم علیه السلام د خپل ځوي "اسماعیل علیه السلام" د قربانۍ لپاره د بوتللو پرمهال، د هغه د بې لارې کولو د هڅې په څوب کې د هغه د رټلو او په کڼو وېشلو

> **د حج ستره تاریخي فریضه هغه مالي او بدني عبادت دی، چې له یوې خوا د مسلمانانو په نفسونو، اخلاقو او ټولنو ژور اغیز پرېږدي، ځکه دغه له عبادت او پرستش څخه ډک څو ورځینی کورس له یوې خوا یو مسلمان ته په خپل نفس باندې د حاکمیت او نېکیو لوریو ته د تګ او له بدیو څخه د راستنېدو زده کړه ورکوي**

عمل یې نن حاجیان د شیطانانو په کاڼو د وېشتلو (رمی الجمار) سره تازه کوي. نو دغه ګردواړه مناسک، د الله جل جلاله د توحید د ثابتولو او د یو رب په وړاندې د سرښکته کولو او د شیطاني لېارو د پرېښودلو څرګندوی دي چې د حج د عظیمې فریضې ترشا د حکمت او فلسفې په توګه پېژندلای شي او د مسلمانانو سره د الله جل جلاله د وحدانیت مفهوم مجسم کوي او یوازې هغه جل جلاله ته د التجاء، پناه وړلو او ورڅخه مرستې غوښتلو مفاهیم پیاوړي کوي او په نتیجه کې یې د نړۍ د مسلمانانو ترمینځه د یووالي، رښتوني برابرۍ او ورورګلوۍ روحیه غښتلې کیږي: ځکه په دغو مقدسو مقاماتو کې د رنګ، ژبې، نژاد او سیمې او وطنونو له توپیرونو سره سره د میلونونو په شمېر انسانان په یوه سپین لباس کې راغونډیدل او د الله جل جلاله له کور څخه طواف کول، د عرفات په میدان کې ورځ تېرول او همدارنګه د مزدلفې او منا په سیمو کې شپې تېرول او ټول په یوه آواز د تلبیې ورد کول د کایناتو د خالق ذات په عظمت او وحدانیت اعتراف، او د مسلمانانو د یووالي او برابرۍ مظهر دی او د ابراهیم علیه السلام راهیسې تر د قیامت د ورځې پورې د ټولو مسلمانو انساني پرګنو د یو امت والي او ابراهیمي سنت او طریقې د پېروۍ ثبوت دی: چې هر کال په میلونونو مسلمانان د دغې فریضې د انجامولو لپاره د نړۍ له ګوټ ګوټ څخه راغونډیږي او د حج په موسم او شپو ورځو کې الله جل جلاله ته زارۍ او تضرع کوي.

همدارنګه د حج ستره تاریخي نړیواله غونډه د مسلمانانو له حالاتو څخه د یو بل د خبرېدنې غوره ذریعه ده او د اسلامي امت د خپلمنځېو ستونزو د حل ځای دی او هم د اسلام د سپېڅلي دین د برلاسۍ او خپرولو په منظور د جهاد د فریضې تعهد ځای دی.

د حج فریضه د مسلمانانو ترمینځه د اقتصادي، سیاسي، فرهنګي او علمي لاسته راوړنو د تبادلو او اسلامي هېوادونو ترمینځه د تعاون، مرستې، خواخوږۍ او تکافل او یو بل ته د ورورۍ د لاس ورکولو او د اسلامي امت د ګډو ګټو مطرح کولو غوره فورم دی خو له بده مرغه چې د زمانې په تېرېدو سره د بېسکېلاګرو هېوادونو د هڅو او شیطاني دسیسو په نتیجه کې نن سبا د حج دغه ستره فریضه یوازې یو عبادتی او روحي اړخ غوره کړی او بس. په داسې حال کې چې د اسلام ستر پېغمبر د حج فریضه د اسلامي امت د سر لوړۍ او برلاسۍ او د دغه ستر هدف د لاسته راوړلو لپاره د جهاد د وفودو د لیږلو او د مسلمانانو د ستونزو څخه د خبرېدو لپاره غوره زمینه ګڼله: د طواف په مهال یا د صفا او مروه ترمینځه د مسلمانانو سعې او د غښتلتیا د څرګندولو په اراده او هوډ د اوږو وهل او د پهلوانۍ مظاهره د پورته یادو شوو اهدافو د لاسته راوړلو لپاره د مسلمانانو هیبت او رعب ثابتوي او همدارنګه د شیطانانو د وېشتلو عمل د شیطاني تګلارو د پرېښودلو او کفري خوځښتونو د ټکولو او رټلو روحیه پیاوړې کوي.

نو د حج ستره تاریخي فریضه هغه مالي او بدني عبادت دی چې له یوې خوا د مسلمانانو په نفسونو، اخلاقو او ټولنو ژور اغیز پرېږدي. ځکه دغه له عبادت او پرستش څخه ډک څو ورځینی کورس له یوې خوا یو مسلمان ته په خپل نفس باندې د حاکمیت او نېکیو لوریو ته د تګ او له بدیو څخه د راستنېدو زده کړه ورکوي. انساني نفسونه تهذیبوي، او له بلې خوا د الله د بندګۍ او وحدانیت او د اسلامي امت د یووالي او برابرۍ درس ورکوي او هم په مسلمانانو کې د الله د دین د اقامې لپاره احساسات بیداروي او د قربانۍ جذبه پیدا کوي، الله دې وکړي چې اوسنۍ اسلامي نړۍ د حج د فریضې واقعې فلسفه درک او د الله د بندګۍ لیار خپله کړي.

رویدادهای مهم هفته ...

در یک منطقه تحت کنترول شورشیان و در این مرکز مواد مخدر را کشف نمودند.

آمادگی دولت برای پذیرش حکمتیار

داکتر رنگین دادفر اسپنتا وزیر امورخارجه گفته است اگر حکمتیاررهبر شورشیان مخالف دولت بخواهد به پروسه صلح بپیوندد دولت برای پذیرش او آماده است. حکمتیار که نامش در لست سیاه سازمان ملل درج است در حال حاضر سرگرم سازمان دهی نیروهای مسلح مخالف دولت افغانستان می باشد

تجاوز جنسی بر یک دختر هفت ساله در غزنی

به گزارش بی بی سی یک دختر هفت ساله روز پنجشنبه ۱۶ عقرب در ولایت غزنی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است. مسؤولان امنیتی گفته اند که عامل این حادثه را بازداشت کرده اند. قربانی این رویداد تحت مراقبت صحی قرار دارد.

نخستین گروه از حجاج ...

که مصارف غذا ونان مربوط خود حجاج می گردد.

قابل یادآوریست که سال های گذشته حجاج ازنحوهٔ ارایهٔ خدمات هیئت بعضه شکایت داشتند، اما امسال وضع [illegible] خواهد شد: آقای [illegible] این مطلب افزود: مهمترین دشواری حجاج درسال گذشته ا ازناحیه انتقال وسایط ترانسپورتی بود که دروقت تعین شده وظایف خودرا انجام نمی دادند که باعث سر وصدا درمیان حجاج می شد وباهم حاجیان ما وقتی به میدان می آمدند طیارهٔ وجود نداشت این موضوع درسالها ی گذشته باعث درد سرمی شد،اما امسال تدابیری گرفته شده وما امید وارهستیم آن کا ستی ها اتفاق نیفتد.

مشکل دیگری که حجاج درسال های گذشته ازآن شکایت داشتند ، دوربودن مهمان خانه ها ازحرم ودیگراماکن مقدسه بود که حجاج نمی توانستند سر وقت، مناسک را اجرانمایند.

رئیس حج دراین مورد می گوید: دراین سال ها دولت سعودی تمام اماکن نزدیک به حرم را به دلیل فرسودگی تعمیرها خراب نموده وهوتلهای جدید درمسافهٔ دورتربناء شده ، خوابگاه حجاج افغانی درمکه به فاصلهٔ ۲کیلومتر ازحرم شریف ودرمدینه یک ونیم کیلومتر ازمسجد نبی فاصله دارد، دراین محدوده حاجیان دیگر حجاج ازسراسردنیای اسلام سکونت دارند.

آقای مختار درمورد شرکت ها ی که قراراست امسال حاجیان را منتقل نمایند گفت :این موضوع باید ازوزارت ترانسپورت پرسیده شود زیرا دربرنامهٔ کاری ما شامل نیست.

اما وقتی سعی کردیم به وزارت ترانسپورت تماس بگریم موفق به برقراری تماس نشدیم.

هفته نامهٔ

و آنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ بیست و سوم شنبه ۱۸ عقرب ۱۳۸۷- ۹ ذوالقعده ۱٤۲۹ - 8 November 2008



قاضی فیض محمد مختار رئیس حج و زیارت وزارت ارشاد، حج و اوقاف:

نخستین گروه از حجاج افغانستان امروز عازم عربستان سعودی می شوند

گزارشگر: عنایت

نخستین گروه ازحجاج شنبه ۱۸عقرب به صوب عربستانی سعودی پرواز می کند. این درحالیست که هئیت بعثهٔ وزارت ارشاد،حج و اوقاف دوروزپیش به سعودی رفته بودند.

این مطلب را قاضی فیض محمد مختاررئیس حج وزیارت وزارت ارشاد، حج واوقاف درگفتگوی اختصاصی به خبرنگارمجاهد بیان داشت.

آقای مختارافزود:به اساس قرارداد میان وزارت حج افغانستان ووزارت حج عربستان سعودی باید نخستین پروازحجاج افغانستان به قصدسعودی درتاریخ مذکورکه برابر با ۹ ذی القعده می شود،انجام می یافت وطبق پلان به کمک خداوند صورت گرفت.

به گفته وی بایدهمه روزه ۱۴۲۵ نفرانتقال یابدکه انتقال همه حجاج دروقت معین تکمیل گردد.

آقای مختار درمورد شمار حاجیان افغانستان درسال روان گفت :: درسال های گذشته ۲۴ هزارنفر به زیارت خانهٔ خدا می رفتند اما امسال دراثر سعی وتلاش وزارت حج این رقم به ۳۰ هزاربالا رفت.

به قول آقای مختار کنفرانس کشورهای اسلامی برای هریک ملیون نفرمسلمان هزارنفر حاجی سهم تعیین نموده است که براین اساس ، چون افغانستان سی ملیون جمعیت دارد مستحق سی هزارسهمیه می باشد. رئیس حج وزارت ارشاد وواوقاف درمورد مصارف حاجیان گفت: امسال مصارف یک حاجی به یک صدوچهل وهزاروهشت صدونودوسه افغانی بالغ می گردد واین مبنغ شامل تمام مصارف مانند مسکن تکت رفت وبرگشت طیاره ، خاک پولی، خدمات ترانسپورتی دراماکن مقدسه همه مسایل را شامل می شود **ادامه درص۷**

د درسی کتابونو د لیکلو د بهیرستونزې

فقیري

نن سبا په هر شي او هري موضوع نيوکه مود شوي چي ډيري يي ناسمي دي. د ډيموکراسي له ښيگينونه يوه داده چي خلک کولای په چارواکو او دهغوی په کړو وړو بندی نیوکه وکړي کیدای شي یو لړ په ځایه، سم، رغنده او گټور انتقادونه در رسینوله لاری خپاره شي خوزیاتره داسي هم لیدل کیږي چي د سمو معلوماتو د نه لرلو پر بنسټ، نا سمې گوت نیوني وشي او افراد او موسسات اداري په نا حقه او ناروا توگه تر تنقید او نیوکې لاندي نیول شي، په داسي حال کي چي هغوی دیره گرم او ملامت هم نه وي!

کیدای شي یو لړ په ځایه، سم، رغنده او گټور انتقادونه در رسینوله لاری خپاره شي خوزیاتره داسي هم لیدل کیږي چي د سمو معلوماتو د نه لرلو پر بنسټ، نا سمې گوت نیوني وشي او افراد او موسسات اداري په نا حقه او ناروا توگه تر تنقید او نیوکې لاندي نیول شي، په داسي حال کي چي هغوی دیره گرم او ملامت هم نه وي!

د درسی کتابونو په هکله هم خورا ناسم معلومات شته او هم خپریږي. په دي هکله باید وویل شي:

۱- په ښوونځیو او بازارونوکي موجود کتابونه. ټول د پوهنی د وزارت له خوا نه دی چاپ شوي. دا په دې معنا نده چي د وزارت له خوا په چاپ شویو کتابونو باندی د گوت نیوني پوښتنه نه رامخی ته کیږي! د وزارت له خوا په چاپ شوی کتابونو باندی هم خو را زیات انتقادونه شته.چې تیروتنې لری او قطع او صحافت او کاغذیی هم سم نه دی.

اصلي خبره دا ده چي موجود ټول کتابونو د وزارت له خوا نه دی شوی او بهرنی مؤسسات او داخلی بیلابیل د سوداگرو او دکاندارانو په کچه هم د گټې د لاس ته راوړلو په موخه کتابونه چاپ کړی دی. داځکه چي په ښوونځیو کي کتابونه نشته او زدکوونکي دی ته اړ دی چې کتابونه له بازارانه په بیه واخلي.

نو د داسي کتابونو تیروتنو او ناسمیتا پړه باید په وزارت باندی وانه چول شي.

۲- باید وویل شي چي پوهه. ښوونه او لیکنه که څه هم په ظاهر کي یوه عادی خبره ده. مگر بیل بیل اړخونه لري او کیدای شي چي یو پوه او عالم د ښوونې خواک و نه لري! یا یې ولری د لیکلو توان یې سره نه وی او د هغه لیکنې د زده کونکو د پوهولو لپاره مناسبی نه وي!

۳- د پوهنی د وزارت پروسږکال درسنیو له لوری اعلان خپور کړ چي د بیلابیلو مضمینو لپاره د کتاب د لیکلو لپاره کار پوهانو ته اړتیا لري او داکار پوهان د هیواد له دننه او بهیر څخه له مرکو څخه وروسته غوره شول. پرته له دی نه چي د غوراوی د څرنگوالی او دتنخواگانو د ټوپیر غوټه وځیړو. دا کار پیل شوی او اوس هم دوام لري. داکار پوهان مخکې له دې نه چې نوي کتابونه ولیکي. زاړه کتابونه یې اصلاح کړل چې ډیر یې چاپ او خپاره شوي دي. سږکال په اوړي کي دشپیتونه زیات استادان. د مخکینې تړونلیک پر بنسټ. ایران ته ولاړل او هلته یی منځنی دورې کتابونه د ایرانی کارپوهانو تر نظر لاندی ولیکل چی اوس چاپ ته چمتو دی.

۴- د تعلیمي نصاب ریاست د پشتو او دری ځانگو د نوبنت پربنست. سږکال په پسرلي کی یو ورکشاپ جوړ کړ ترڅود ډیرو کلمو املایی ستونزو ته دپای ټکی کیږدي. په دي دری ورځنی ورکشاپ په ترڅ کی د پشتو او دری گڼ شمیر کلمو معیاري املایي بڼه ومنل شوه. د تعلیمی نصاب د کار پوهانو او رسمی غړو ترڅنگ د افغانستان د پوهنتونو او دعلومو د اکادمي او مدني ټولنی استازو هم پکې گډون درلود. په راتلونکی کی به ټول کتابونه د واحد املایی بڼې نه برخمن وي او تیر تیروتنی به ان شاء الله تکرار نشي.

نوریا

رویداد های مهم هفته

ترمینال فرودگاه کابل افتتاح شد

ترمینال جدید میدان هوایی کابل روز پنجشنبه ۱۶ عقرب با اشتراک حامدکرزی رئیس جمهورکشور افتتاح گردید. این ترمینال به ارزش سی میلیون دالر از سوی کشور جاپان اعمار شده است. حامدکرزی رئیس جمهور که در این مراسم سخنرانی می کرد، از کشور جاپانُ تشکری و به کارکنان میدان هوایی گفت نگذارید که مقامات بلند رتبه دولتی زورمند این ترمینال را خراب کنند.

اختطاف یک شهروند فرانسه در کابل

یک شهروند فرانسوی قبل از ظهر روز دوشنبه ۱۳ عقرب از کوچهٔ قصابان ساحه بهارستان تو سط مردان مسلح ربوده شد. شاهدان گفته اند رابایندگان فردی را که می خواست شهروند فرانسوی را نجات دهد آماج قرار داده و کشتند. پولیس اعلام کرد یک تن دیگر از شهروندان فرانسوی که هدف رابایندگان بود فرار کرده است. پلیس عملیات وسیعی را راه انداخته ولی از سرنوشت شهروندر بوده شدهٔ فرانسوی خبری نیست.

مجروح شدن ۵ سرباز در کنر

نیروهای آیساف اعلام کردند که در اثر یک تیراندازی اشتباهی این نیروها در ولایت کنر روز یک شنبه ۱۲ عقرب پنج سرباز اردوی افغانستان زخمی شدند.

ناتو می گوید نیروهای آیساف سربازان افغان را که مشغول گشت زنی در محل بودند، با شورشیان مخالف دولت اشتباه گرفته و بر آنان آتش گشودند.

نیروهای ناتو در اعلامیه یی گفته اند پس از آنکه مشخص شد این افراد، از جمله نیروهای امنیتی هستند، به بیمارستان منتقل شده و تحت مداوا قرارگرفتند.

واکنش قوه قضاییه به انتقادات اخیر ریاست امنیت ملی

ستره محکمه به دنبال طرح انتقادهایی مبنی برعدم مجازات مجرمان واکنش نشان داده و اعلام کرده است که در ماه های اخیر بیشتر از صد و سی دوسیه جنایی حکم اعدام صادر کرده و برای تایید به رئیس جمهوری فرستاده اند.

این درحالی است امرالله صالح رئیس امنیت ملی چندی قبل در نشست خبری از عدم مجازات مجرمان انتقاد کرد بود، وی گفته بود مجرمان از سوی نیروهای امنیتی بازداشت می شوند، اما دستگاه قضایی پرونده های آنان را رسیدگی نمی کند.

عبدالرشید راشد یکی از مسؤولان دادگاه عالی گفته است نهادهای که از کارکرد قوه قضاییه شکایت دارند برای اثبات ادعاهای خود باید مدارک با اعتبار ارائه کنند.

مسؤولان امنیتی درهرات از کارشان برکنار شدند

مسوولان فرماندهی زون ساحوی پولیس درولایت هرات به آژانس خبری وخت از برکناری مسؤولان حوزه های امنیتی هرات خبرداده اند. آنها گفته اند که براساس هدایت وزارت داخله افغانستان مسوولان هشت حوزهٔ امنیتی در ولایت هرات را از کارشان برکنار نموده اند.

۴۰ تن مواد مخدر در سپین بولدک ازبین برده شد

وزارت دفاع ملی روز سه شنبه ۱۴ عقرب اعلام کرد که نیروهای کنندک ۲۰۵ کوماندوی اردوی ملی افغانستان و قوای ائتلاف در ولسوالی سپین بولدک ولایت کندهار یک مرکزتولید مواد مخدر را که در انجا بیشتر از ۴۰ تن چرس وجود داشت ازبین بردند.

در خبرنامه یی که از سوی وزارت دفاع نشر آمده است که نیروها مشترک در جریان پشبرد ادامه درص۷